

دو شاعرِ کشمیری در دورهٔ شاهجهان

ذاکره شریف قاسمی*

کشمیر به‌ویژه سرینگر مرکزِ بزرگِ زبان و ادبِ فارسی بوده است. فارسی در حقیقت همراه با مسلمانان وارد این سرزمین شد. ببل شاه و شاهِ همدان از جمله عارفانی هستند که ما نمی‌توانیم در تاریخِ ترویجِ زبان و ادبِ فارسی در کشمیر از آنها ذکر نکنیم. این هردو عارف در قرنِ هشتم هجری وارد این منطقه شدند. با ورود آنها در کشمیر سرنوشتِ سیاسی، اجتماعی و ادبیِ کشمیر تغییر یافت. به تدریج اسلام و زبان و ادبِ فارسی رو به راه شد. دورانِ حکومت‌های پادشاهانِ شهمیری، چک و تیموریان زبان و ادب و فرهنگِ فارسی در این سرزمین چنان جای گرفت که صاحبانِ نظر، کشمیر را «ایرانِ صغیر» نامیدند.

شعرا و نویسندگانِ چیره‌دست در این دورهٔ تاریخِ کشمیر، خدماتِ شایانِ ادبی و علمی را انجام دادند. وقتی که تاریخِ کامل و مفصلِ تاریخِ ادبِ فارسی در هند، نوشته می‌شود از اهمیتِ کشمیر در پیشرفتِ زبانِ فارسی به‌هیچ‌وجه صرف نظر نخواهد شد. ترکِ وطن و مسافرت به نقاطِ دوردست از بدو آغاز تاریخِ مسلمانان معمول بوده است. هزارها نفر از طبقاتِ مختلفِ جامعه از یک‌جا به‌جای دیگر مهاجرت می‌کردند. بعضی از اینها برای جهانگردی و بعضی برای بهره‌برداری از منابعِ بهتری مسافرت و مهاجرت را اختیار می‌نمودند. در این زمینه البیرونی و ابن بطوطه را می‌توان نام‌برد که دورانِ قرونِ میانه از عجم و عرب به‌هند آمدند و خاطراتِ آنها تاکنون برای تفهیمِ هند

* استاد فارسی دانشگاه جواهرلعل نهر، دهلی‌نو.

آن دوره از اهمیت اساسی برخوردارند و هرکس که می‌خواهد زندگی هند اوایل قرون میانه را بررسی کند، ممکن نیست از آثار این دو جهانگرد دانشمند استفاده نکند. کشمیری‌ها هم از این روایت جامعهٔ مسلمان پیروی کردند. بعضی از آنها از کشمیر بیرون آمدند و در جاهای مختلف هند سکنی گزیدند و خدمات شایانی را در زمینه‌های مختلف زندگانی انجام دادند.

بنده در این وقت تنها دربارهٔ دو نفر شاعر و نویسنده و اندیشمند کشمیری سخن می‌گویم که در دورهٔ حکومت شاهجهان فعالیت داشتند و نقشی در زمینهٔ زبان و ادب فارسی را بازی کردند که ممکن نیست آن را نادیده گرفت.

یکی از آنها ملّا شیخ محمد محسن فانی کشمیری فرزند حسن بن محمد است که از خانوادهٔ عالم و شاعر و عارف معروف کشمیر ملّا یعقوب صرفی (۱۶۰۵-۱۵۵۳ م) بوده و شاعرانی چون غنی کشمیری و اسلم سالم کشمیری از محضر او استفاده کردند. فانی برای کسب علم از محضر استادان و عرفای دیگر هم استفاده کرد. بعد از تکمیل تحصیلات به بلخ رفت و پس از مراجعت به هند، در سلک ملازمان داراشکوه پسر شاهجهان درآمد.^۱ فانی ارتباط خود با داراشکوه را چنین توصیف می‌کند که بنابر تعلق با این شاهزاده، احتیاج به ارتباط با کسی ندارد:

فانی که سجدهٔ در داراشکوه کرد دیگر سرش فرود به هر در نمی‌شود

فانی در مدح شاهجهان هم شعر سروده و این پادشاه تیموری نیز به او توجه خاصی داشت و وی را به صدارت صوبهٔ اله‌آباد مأمور کرد. در دوران اقامت خود در اله‌آباد، فانی به خدمت عارف معروف و مبلغ زبردست وحدت‌الوجود شیخ محب الله اله‌آبادی (م: ۱۰۶۸ هـ) رسید و خرقةٔ درویشی از او پوشید و از محضرش بهره برد. چون فانی عرفان دوست بود، به ملّا شاه نیز ارادت داشت. مرادبخش پسر شاهجهان بلخ را فتح کرد. نذر محمد خان والی بلخ (متوفی: ۱۰۶۰ هـ/۱۶۵۰ م) گریخت و دارایی‌هایش به دست شاهزادهٔ تیموری افتاد. در کتابخانهٔ بلخ قصایدی از فانی در مدح نذر محمد

۱. سرخوش کشمیری، میر محمد افضل (زنده: ۱۱۲۶ هـ): کلمات‌الشعرا (تألیف: ۱۱۰۸-۱۰۹۳ هـ)، ص ۸۵

خان به دست آمد از آن پس وی از نظر پادشاه افتاد و از صدارت هم کنار گذاشته شد. شاهجهان او را اجازه داد به وطن خود کشمیر برگردد و مقرری سالیانه بگیرد.

فانی تا آخر عمر در سرینگر بوده و به درس و تدریس و تصنیف و تألیف پرداخت ولی او حتماً با مراجعت به کشمیر خوشحال نبود و می‌خواست در شاهجهان‌آباد به سربرد. فانی آخر منزوی در گوشه کشمیر شد. در منزلش در سرینگر امرا و دولتمردان جمع می‌شدند و از محضرش استفاده می‌کرد.^۱ فانی در سال ۱۰۸۱ هـ/ ۱۶۷۰ م بدرود حیات گفت و در صحن خانه خود مدفون شد.

فانی آثار زیادی را به جای گذاشته است که عبارتند از:

دیوان مشتمل بر غزلیات، رباعی، قصاید که گرداری لال تگوان آن را از تهران به چاپ رسانده است.^۲

مصدرالآثار در پیروی از مخزن‌الاسرار نظامی را در ۱۰۶۷ هجری به نام شاهجهان سروده است.

ناز و نیاز، مثنوی عشقی، مثنوی مهر و ماه، مثنوی هفت اختر، نجات‌المؤمنین به نثر، شرح عین‌العلم به نثر، دیباچه بر مثنوی ملّا شاه و میخانه که ساقی‌نامه است، فانی در میخانه باغها، دریاچه‌ها، چشمه‌ها و جاهای دیگر دیدنی سرینگر را توصیف نموده است. درباره باغ شالیمار می‌گوید:

عروس همه باغها شاله‌مار که او را گرفته است دل در کنار

فانی علاقه خاصی به مثنوی‌سرایی نشان داده است. استاد دانشمند بنده جناب آقای پروفیسور سید امیر حسن عابدی مثنویات فانی را به چاپ رسانده است.^۳ در حالی که علی قلی واله داغستانی در ریاض‌الشعرا می‌گوید:

”دیوانش قریب به پنج هزار بیت است، اما شعر بلند به ندرت دارد“^۴.

۱. سرخوش کشمیری، میر محمد افضل (زنده: ۱۱۲۶ هـ): کلمات‌الشعرا (تألیف: ۱۱۰۸-۱۰۹۳ هـ)، ص ۸۵.
۲. نسخه خطی کلیات فانی در کتابخانه رضا، رامپور به شماره ۳۵۶۵ مضبوط است.
۳. چاپ شده از آکادمی هنرهای جامو و کشمیر، ۱۹۶۴ م.
۴. واله داغستانی، علی قلی خان: ریاض‌الشعرا (تألیف: ۱۱۶۱ هـ/ ۱۷۴۸ م)، تصحیح پروفیسور شریف حسین قاسمی، ص ۲۶۷.

ولی صالح کنبوه از فن شعر فانی چنین توصیف و ستایش می‌کند:
 ”جلوه سنج حسن کلام است و مانند بهار در کشمیر صاحب مقام. شاهدان معنی

در دوران اقامت خود در اله‌آباد،
 فانی به خدمت عارف معروف و
 مبلغ زبردست وحدت الوجود شیخ
 محب الله اله‌آبادی (م: ۱۰۶۸ هـ)
 رسید و خرقة درویشی از او
 پوشید و از محضرش بهره برد.

را با حسن وجود بر صفحه بیان جلوه
 می‌دهد و سرانگشت قلمش عقده از
 سررشته معنی به نیکوترین وصفی می‌کشاید.
 فکرش آرایش ده دیوان سخن است و
 کلکش چهره آرای بتان معنی، فیضان‌دوز
 کمالات طبعی و الهی بوده، اوج‌گرای جمیع
 علوم است و شاعری، دون مرتبه آن
 والافطرت است و سخنوری کهین پایه آن

مهین سردار خطه فکرت است، چون بعض اوقات به فکر شعر می‌پردازد و طره
 اشعار را به‌شانه قلم می‌ترازد، لاجرم نام آن عالی مرتبت در جرگه شاعران بقلم
 آورده“.

غنی کشمیری شاعر دیگر معروف است که در دوره شاهجهان به‌سربرد. ملّا محمد
 طاهر متخلص به «غنی» از خانواده‌ای است که همراه با میر سید علی همدانی از ایران
 به کشمیر مهاجرت کرد. یکی از اجداد غنی بنام خواجه سنگین، دوست نزدیک علی
 همدانی بوده است.^۳ در واقعات کشمیر آمده است که غنی از طایفه اشائی کشمیری
 است که دوران حکومت سلاطین از دهکده اشاور در خراسان به کشمیر منتقل شده و
 با دربار سلطان زین‌العابدین معروف به بدشاه (پادشاه بزرگ) مرتبط شد.^۴

۱. کنبوی لاهوری، محمد صالح (م: ۱۰۸۵ هـ): عمل صالح موسوم به شاهجهان‌نامه (تألیف: ۸۰-۱۰۷۰ هـ)، ج ۳، ص ۳۳۰.

۲. غنی کشمیری، ملّا محمد طاهر (م: ۱۰۷۹ هـ/۱۶۶۸ م): دیوان غنی کشمیری، مطبع نولکشور، ۱۹۳۱ م.

۳. مجله هلال، کراچی، ژوئن ۱۹۶۳ م، ص ۴۳.

۴. اعظم کشمیری، خواجه محمد اعظم دیده‌مری (دذمری) (م: ۱۱۸۵ هـ) بن خیرالزمان کشمیری: واقعات کشمیر، ترجمه اردو پروفیسور شمس‌الدین احمد، ص ۲۸۷؛ مآثر الکرام، ص ۱۰۳؛ شمع انجمن، ص ۳۹۹.

غنی در سرینگر در ۱۰۳۹ یا ۱۰۴۰ هـ/ ۱۶۳۰ م متولد شد.^۱ ما درباره تاریخ وفات غنی اطلاع دقیق نداریم. مسلم شاگرد او که دیوانش را بعد از وفاتش گردآورد، در این ضمن می‌نویسد:

”مرغ روح آن سبک سیر شاهراه معنی با طایر سخن تا آشیان اعلی شتافته و در فضای عالم ملکوت پرواز طایران قدس یافته. پیش از آنکه مسوده اشعارش جمعیت پذیرد و سخنان بیاضش صورت دیوان گیرد، رشته حیات از هم گسیخت و نسخه وجودش از ترتیب اجزای عنصری افتاد“.^۲

همچنین این ابیات او حاکی است که غنی در پیری بدرود به حیات گفت: موی سر کردم سفید اما خیالت در سراست اخگر پنهان ته این توده خاکستر است تن بمردن ده غنی چون قامتت گردید خم بهر این خاتم نگینی نیست جز سنگ مزار غنی از محسن فانی کشمیری که در مدرسه قطبیه درس می‌داد، کسب فیض کرد.^۳ در بعضی تذکرها واژه‌های مولانا، ملّا و یا شیخ به اسمش اضافه کرده‌اند که نشانگر مقام ارجمند او در علم و ادب است. خود استاد او فانی کشمیری هم برای حلّ و فصل بعضی امور پیچیده‌ای به این شاگرد خود رجوع می‌کرد. در این زمینه مسلم شاگرد او در مقدمه‌ای به دیوان غنی می‌نویسد:

”اگرچه آن مجمع‌الکمالات بیشتر به شاعری شهرت یافته و شعرش در این باب تیز دستی به کار برده، اما کمالات شاعری او نمونه‌ای است از کمالات دیگر و سخنان نگینش گونه‌ای است از جمال معنی آن نیکو سیر... از تمام اقلیم هند همچو او سخنوری خوشخیال، نازک‌بند، معنی‌یاب برنخاسته“.

خوشگو درباره سبک شعرش نظر می‌دهد:

۱. تگّو، گرداری لال: پارسی‌سرایان کشمیر، ص ۳۶.

۲. غنی کشمیری، ملّا محمد طاهر (م: ۱۰۷۹ هـ/ ۱۶۶۷ م): دیوان غنی کشمیری، مقدمه، ص ۵۵.

۳. غنی کشمیری، ملّا محمد طاهر (م: ۱۰۷۹ هـ/ ۱۶۶۷ م): دیوان غنی کشمیری، مقدمه، ص ۵۵: کلمات‌الشعرا، ص ۸۳: تذکره حسینی، ص ۲۲۸.

”صاحبِ سخنِ پرکار استادِ فنِ جادونگار است. چنانچه شاهِ جوّادِ درویشِ اکثر می‌فرمود که کلامش دون کلامِ خالق و فوق کلامِ مخلوق است“^۱.

علی قلی واله داغستانی
در ریاض‌الشعرا، غنی را
بهترین شاعر کشمیر
خوانده است.

علی قلی واله داغستانی در ریاض‌الشعرا، غنی را
بهترین شاعر کشمیر خوانده است:
”درستی زبان و روانی الفاظ و لطافت معنی او
مقبول همه بوده والحق از خطّه کشمیر مثل او کسی
برنخاسته“^۲.

دیوانی مشتمل بر غزلیات، مثنویات مختصر را برای علاقه‌مندان به زبان و ادبیات فارسی به جای گذاشته است. این دیوانش یکبار در ۱۸۴۵ میلادی و بار دیگر در مدراس چاپ شد، سپس در ایران و در خود کشمیر هم منتشر شده است.

غنی مانند صائب تبریزی، شاعری تمثیلی است. برای اثبات اندیشه‌ای که در مصرع اوّل طرح می‌کند، مثال در مصرع دوم می‌آورد تا آن را ثبوت برساند. این یکی از ویژگی‌های سبک هندی است. سبک هندی در سروده‌های وی به کمال می‌رسد. آثار او را به نازک خیالی و توانایی بسیار در بیان معنی دقیق و مضامین باریک ستوده‌اند.

برای ارسال‌المثل و یا مثال ابیات زیر غنی باید مورد توجه قرار گیرد:

بجو دوری ز هم‌جنسان نشاطی گر طمع داری

چون می‌بینی جدا از یکدگر لبهای خندان را

نمی‌باشد مخالف قول و فعل داستان باهم

که گفتار قلم باشد ز رفتار قلم پیدا

نور حسن از دیده‌تر دامنان پنهان بود

بی‌نصیب از پرتو شمع است فانوس حباب

غنی می‌خواست که افکار و اندیشه‌های نو را در شعر آورد و معتقد به این بود که

اگر شاعر مضمون و فکر شاعر دیگر را اخذ می‌کند، شعرش از نزاکت می‌افتد:

۱. خوشگوی دهلوی، بندرآین داس: سفینه خوشگو (تألیف: ۱۱۴۷ هـ/ ۱۷۳۴-۵ م)، ص ۴۰۲.

۲. واله داغستانی، علی قلی خان: ریاض‌الشعرا (تألیف: ۱۱۶۱ هـ/ ۱۷۴۸ م)، ص ۴۶۷.

برنداریم ز اشعار کسی مضمون را طبع شاعر نتواند سخن کس برداشت

*

از نزاکت او فتد مضمون من گر به مضمون کسی پهلو زند

به فکر شعر سر فرود نیاورده و تدوین دیوان را تحصیل حاصل شمرده علم را نقاب عرفان ساخته بود و شعرش پرده‌داری هردو می‌نمود. معارف حقیقی را در لباس علوم رسمی روپوش می‌ساخت و از سخنان گوناگون برقعهای دوخته بر بالای هردو می‌انداخت. چنانچه خود می‌فرماید:

بسربردم غنی هرچند عمر خود به مکتب‌ها

نیاوردم ز خط سرنوشت خویش سر بیرون

*

جویند دوی درد از من دگران لیکن الم من نپذیرد دامان

غنی بیشتر در انزوا زندگی می‌کرد و بنابراین:

در ترک و تجرید چنان می‌کوشید که از پیکر هیولایش پوستی و استخوانی مانده بود. محمّد زمان راسخ، مسلم، و ملک شاهد از جمله شاگردان وی هستند. مسلم، چنانکه اشاره به آن شد، دیوان استاد خود را جمع‌آوری نمود و مقدمه‌ای مفید هم بر او نوشت. غنی در سال ۱۰۷۷ هـ/ ۱۶۶۶ م و یا ۱۰۷۹ هـ/ ۱۶۶۸ م فوت کرد. مسلم در قطعه زیر سال وفات استاد خود را نظم کرده است:

از فوت غنی گشته که و مه غمگین هرکس شده در ماتم او خانه‌نشین

تاریخ وفاتش ار بی‌رسند بگو «پنهان شده گنج هنری زیر زمین»

(۱۰۷۹ هـ)

غنی با دربار علاقه نداشت و صله‌ای برای شعر خود هم از کسی نگرفت. غنی در شعر مقامی بس والا دارد. شعرای معاصر و بعدی از سبک او تقلید کرده‌اند. منتقدین ادب، تأثیر غنی را در شعر غالب دهلوی و علامه اقبال نشان داده‌اند. حتی بعضی شعرای اردو زبان هم نتوانستند خود را از نفوذ شعر غنی به دور نگه‌دارند. همچنین همه تذکره‌نگاران از فن شعر غنی توصیف و تقدیر نموده‌اند.

نصرآبادی در این ضمن می‌نویسد:

حقاً که درست سلیقه و غریب خیال بود، اشعارش همگی لطیف است.^۱
سرخوش می‌گوید:

صاحب طبع عالی بوده، پایه سخنوری را به‌درجه کمال رسانده از خطه کشمیر.^۲
مزیت دیگر شعر غنی کشمیری استفاده از صنعت ایهام است. خوشگو در این ضمن
نظر داده است که:

”طرزش به‌صنعت ایهام بسیار مایل است چنانچه در جواب هر بیت استاد غنی
که سرخیل ایهام‌بندان است و در این ایام ده هزار بیت...“^۳

غنی اساساً شاعر غزل‌سراست. بعضی ابیاتش تمایل او به‌عرفان را نشان می‌دهد.
برای فکر نو و اندیشه دیگر باید به‌این دو شعر توجه کرد:

غنی تا چند بررسی دستگاه اهل دنیا را

که باشد وسعت آن از حصار جام جم پیدا

خوشا عهدی که مردم آدم بی‌سایه را دیدند

غریب است این زمان گر سایه آدم شود پیدا

در هجوحجام و شتائیه دو مثنوی غنی است. در یکی از قطعات خود، غنی سال
وفات ابوطالب کلیم را به‌نظم کشیده است:

مرا بر تن زبانی گشت هر مو شوم دروصف حجامی سخن گو

علاوه بر این غنی قطعات تاریخ وفات میر الهی و امیرالامر اسلام خان را هم
سروده است.

خلاصه این که دو شاعر نامبرده دوره شاهجهان از کشمیر در حقیقت از جمله
شعرای فارسی‌گوی هستند که شعرای بعدی را تحت تأثیر قرار دادند و می‌توان گفت
که از لحاظ هنر شعر، غنی بزرگترین شاعری است که از کشمیر برخاسته و توجه
شعرای فارسی را در سراسر هند به‌خود جلب کرده است.

۱. طاهر نصرآبادی اصفهانی، میرزا محمد طاهر: تذکره نصرآبادی (عصر صفوی)، ص ۴۴۸.

۲. خوشگوی دهلوی، بندرابین داس: سفینه خوشگو (تألیف: ۱۱۴۷ هـ/ ۱۷۳۴ م)، ص ۴۰۲.

۳. همان.

منابع

۱. آزاد بلگرامی، میر غلام علی (م: ۱۲۰۰ هـ): مآثر الکرام، آگره، ۱۹۱۰ م.
۲. اعظم کشمیری، خواجه محمد اعظم دیده‌مری (ددمری) (م: ۱۱۸۵ هـ) بن خیرالزمان کشمیری: واقعات کشمیر، ترجمه اردو پروفیسور شمس‌الدین احمد، جمون ایند کشمیر اسلامک ریسرچ سنتر، سرینگر، اپریل ۲۰۰۱ م.
۳. تگو، گرداری لال: پارسی‌سرایان کشمیر، انجمن ایران و هند، تهران، شهریورماه ۱۳۴۲ هـ.ش.
۴. حسینی سنهلی مرادآبادی، میر حسین دوست، تذکره حسینی (تألیف: ۱۱۶۳ هـ/۱۷۵۰ م)، مطبع نولکشور، لکهنو، ۱۸۷۵ م.
۵. خوشگوی دهلوی، بندرین داس: سفینه خوشگو (تألیف: ۱۱۴۷ هـ/۱۷۳۴-۵ م)، به تصحیح سید شاه محمد عطاء‌الرحمن کاکوی، سلسله انتشارات اداره تحقیقات عربی و فارسی، پتنا، رمضان المبارک ۱۳۷۸ هـ/مارس ۱۹۵۹ م.
۶. سرخوش کشمیری، میر محمد افضل (زنده: ۱۱۲۶ هـ): کلمات الشعرا (تألیف: ۱۱۰۸-۱۰۹۳ هـ)، تصحیح صادق علی دلاوری، به‌اهتمام ملک محمد عارف خان، لاهور (پاکستان)، سپتامبر ۱۹۴۲ م.
۷. طاهر نصرآبادی اصفهانی، میرزا محمد طاهر: تذکره نصرآبادی (عصر صفوی)، چاپخانه ارمغان، تهران، ۱۳۱۷ هـ.ش.
۸. غنی کشمیری، ملا محمد طاهر (م: ۱۰۷۹ هـ/۱۶۶۸ م): دیوان غنی کشمیری، مطبع نولکشور، ۱۹۳۱ م.
۹. کنبوی لاهوری، محمد صالح (م: ۱۰۸۵ هـ): عمل صالح موسوم به شاهجهان‌نامه (تألیف: ۸۰-۱۰۷۰ هـ)، حواشی دکتر غلام یزدانی، تصحیح دکتر وحید قریشی، مجلس ترقی ادب، لاهور، جلد اول ژانویه ۱۹۶۷ م، جلد دوم مارس ۱۹۶۷ م، جلد سوم ۱۹۷۲ م.
۱۰. نواب قنوجی بخارایی، امیرالملک سید محمد صدیق بن حسن: شمع انجمن، مطبع شاهجهانی، بهوپال، ۱۲۹۳ هجری.
۱۱. واله داغستانی، علی قلی خان: ریاض‌الشعرا (تألیف: ۱۱۶۱ هـ/۱۷۴۸ م)، تصحیح پرفیسور شریف حسین قاسمی، کتابخانه رضا، رامپور، ۲۰۰۱ م.
۱۲. مجله هلال، کراچی، ژوئن ۱۹۶۳ م.